

**A Comparative Study of the Performance of the Four Decades of the Islamic Revolution  
with the Jurisprudential Principles of Power in Shiite Political Thought**

Abstract

In Islamic thought, Shia; He sees the continuity of divine sovereignty in the face of the Imamate and considers the intrinsic aspects of politics as principled and as one of the basic ammunitions of religion and, of course, a fundamental and research matter. The human mind has always been involved in understanding the various dimensions and angles of political power, and some have always sought an answer to the question of who rules and how. Having power is one of the basic conditions for the success of any government in preventing chaos and law enforcement, and in creating security and preventing aggression. Power is exercised when it has legitimacy.

In this writing, based on narrative and intellectual sources, we seek to apply the issue of how much the Islamic Revolution, as a model of political power of the present age, the functional results of this power correspond to those principles; But for the reasons stated in this study, we have a long way to go to achieve the desired point in establishing justice and installment and fighting corruption, which we hope to achieve in the near future.

Keywords: power, political thought, jurisprudence, politics, Shia, jurisprudential principles

**بررسی تطبیقی عملکرد چهار دهه انقلاب اسلامی با توجه به مبانی فقهی قدرت در اندیشه سیاسی شیعه**حسن عباس زاده<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۳

حسین احمدی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

محمد رضا جواهری<sup>۳</sup>**چکیده**

در تفکر اسلام، شیعه؛ تداوم حاکمیت الهی را در چهره امامت متجلی می‌بیند و جنبه‌های ذاتی سیاست را اصولی و آن را از مهمات پایه‌های دین و بالطبع امری اساسی و تحقیقی تلقی می‌نماید. ذهن انسان همیشه درگیر شناخت ابعاد و زوایای مختلف قدرت سیاسی بوده است و همیشه عده‌ای در پی یافتن پاسخی به این سوال بوده‌اند که چه کسی و چگونه حکومت کند؟ داشتن قدرت از شرایط اساسی موفقیت هر حکومتی در جلوگیری از هرج و مرج و اجرای قانون و ایجاد امنیت و جلوگیری از تجاوز دشمنان خارجی است. قدرت زمانی کاملاً اجرا می‌گردد که مشروعیت داشته باشد.

در این نگارش بر مبنای منابع نقلی و عقلی به دنبال تطبیق این موضوع هستیم که دلایل حق حاکمیت حاکم و اینکه چه کسی شرایط حاکمیت و بدست گرفتن قدرت را دارد، چیست؟ و تبیین این مهم که انقلاب اسلامی به عنوان الگوی قدرت سیاسی عصر حاضر، نتایج عملکردی این قدرت، چه میزان با آن مبانی مطابقت دارد؟

پس باید با به کارگیری برنامه‌های نظارتی؛ در جهت افزایش کارآمدی قدرت سیاسی حرکت کرد و آن را از افتادن در ورطه آسیب‌ها و آفت‌ها دور نگه داشت. در تاریخ تشیع، انقلاب اسلامی تنها حکومتی بوده است که در جهت نیل به آن مبانی حرکت کرده و لحظه به لحظه با درایت و رهبری امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری K در جهت رسیدن به آن اهداف تلاش شده است؛ ولی به دلایلی که در این تحقیق آمده است ما در برقراری عدالت و اقامه قسط و مبارزه با فساد، تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی داریم که امید است در آینده نزدیک به این مهم دست یابیم.

**کلیدواژه‌ها:** قدرت، اندیشه سیاسی، فقه، سیاست، شیعه، مبانی فقهی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

[ha\\_aba1351@yahoo.com](mailto:ha_aba1351@yahoo.com)

<sup>۲</sup> دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسول)

[Amari.hosein@yahoo.com](mailto:Amari.hosein@yahoo.com)

<sup>۳</sup> استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران [Javaheri@um.ac.ir](mailto:Javaheri@um.ac.ir)

انقلاب اسلامی بعثت دوباره است، نقطه پایانی است بر شلتاق استبداد داخلی و کرفراً استعمار خارجی و هر آنچه موجب عقب ماندگی این ملک و ملت می‌شود.

انقلاب "ما میتوانیم" است. نهضتی به رهبری مردی از سلاله رسول الله است. برای تداوم نهضت جهانی و انسانی اسلام و بیدار ساختن و به حرکت در آوردن ملتی برای احیای گذشته درخشان تاریخی خود ایجاد و برپاداشتن تمدن اسلامی؛ اما این بار بر پایه مکتب اهل بیت.

انقلابی که هر چه از نسخه‌های وارداتی و تقلیدی دور می‌شود، و به ارزش‌های عقلانی و به آرمان‌های امکان پذیر اعتقادی پایبندی نشان می‌دهد، به تحکیم و استقلال و آزادی این کشور تاریخی و حرکت شتابنده ملت ایران در مسیر پیشرفت و سرفرازی و به حرکت در مسیر پیشرفت ملت ایران منجر می‌شود. و در همان حال، آتش خشم و کینه دشمنانی که از همان لحظه پیروزی انقلاب شرارت و خیانت خود را علیه آن آغاز کردند، شعله ور ترمی شود؛ دشمنانی از جنس همان افراد شرور و جریانات فاسد و طبقات مستکبر که علیه نهضت پیامبر اسلام ﷺ و همه پیامبران الهی و مصلحان راستین تاریخ صف‌آرایی و مانع تراشی کردند.

در قلمرو علوم سیاسی، عمدتاً واژه‌های گنگ، دوپهلوی، قابل تعبیر و تفسیر فراوانند؛ لیکن ندرتاً اصطلاح یا لغتی را می‌توان یافت که به اندازه واژه قدرت، ابهام انگیز باشد. لذا تبیین مبانی و مفهوم قدرت در حکومت اسلامی و اثبات ضرورت آن برای جامعه اسلامی از نکات مبهم و مجهول این موضوع است.

#### پیشینه تحقیق

در باب این موضوع کتاب و مقالات و رساله‌ها و پایان نامه‌ها به نگارش در آمده است که هر کدام، موضوع قدرت سیاسی را از جنبه‌ای خاص مورد پژوهش قرار داده‌اند. از قبیل:

کتاب نظارت بر قدرت در فقه سیاسی از دکتر سجاد ایزدهی که بیشتر به ادله روایی در اثبات قدرت و نظارت بر آن اشاره شده است.

کتاب تفسیر موضوعی پیام قرآن اثر آیت الله مکارم شیرازی که در جلد دهم آن به موضوع ابعاد حکومت اسلامی پرداخته است.

کتاب اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای K اثر محمد مهدی اسماعیلی که فقط به تحلیل اندیشه سیاسی معظم له در باب کلیات حکومت و قدرت پرداخته است.

کتاب قدرت سیاسی از منظر قرآن کریم اثر سید کاظم میر باقری فقط به بررسی آیات پیرامون قدرت سیاسی پرداخته است.

کتاب رابطه قدرت و عدالت در فقه سیاسی اثر غلام سرور اخلاقی صرفاً تلاش شده تا تعریفی از قدرت و عدالت و سیاست از منظر دانشمندان غیر مسلمان و مسلمان به ویژه فقهای اسلام بیان کند.

کتاب عوامل اقتدار ملی از منظر قرآن و حدیث اثر محمد محمودی خراسانی که عوامل متعددی که باعث اقتدار نظام اسلامی می‌گردد از منظر قرآن و روایات پرداخته است.

کتاب نظریه قدرت برگرفته از قرآن و سنت، اثر محمد هادی مفتاح: موضوع این کتاب، تئوری مدون حکومت دینی است که مقصود از آن، همانا استنباط و ارائه نظریه حکومتی، مبتنی بر منابع نقلی، دین مبین اسلام است. در این کتاب محل نزاع در این است که فرد حکمران به چه دلیلی حق حکمرانی دارد نه اینکه چه کسی باید حکم براند. ما در این نوشتار در صدد پاسخگویی به هر دو سوال هستیم.

کتاب صعود چهل ساله اثر سید محمد حسین راجی و سید محمد رضا خاتمی که صرفاً به مقایسه سطح پیشرفت کشور با زمان قبل از انقلاب پرداخته است.

لذا تحقیقی که عملکرد ۴۰ ساله انقلاب اسلامی را با این مبانی فقهی تطبیق کرده باشد یافت نشد و همچنین در تحقیق‌های انجام شده حضور زن در قدرت مورد توجه نویسندگان نبوده و هنوز که هنوزه مورد بحث در محافل سیاسی و اجتماعی می‌باشد.

**مقاله:** بررسی مفهوم قدرت سیاسی اثر اسماعیل آجرلو و دانیال طاهری (کاری از پژوهشکده شورای نگهبان)

**مقاله:** مبانی مشروعیت قدرت سیاسی در اندیشه سیاسی اسلام اثر سید عبدالله میر غیاثی

**مقاله:** قدرت از دیدگاه امام خمینی رضوان الله تعالی علیه اثر محمد باوی

**مقاله:** تفکر سیاسی در قرآن اثر نجف لک زایی

**مقاله:** اهداف و کارکرد قدرت سیاسی مطلوب از منظر قرآن کریم اثر سید کاظم سید باقری و بتول ملاشفیعی

**مقاله:** امام خمینی و مسئله نظارت و تحدید قدرت سیاسی اثر سجاد ایزدهی

**رساله:** بازشناسی مفهوم قدرت در اندیشه سیاسی امام خمینی اثر سید عبدالحسین حجت زاده

**ادبیات و مبانی نظری تحقیق**

**تعریف قدرت در لغت**

راغب اصفهانی در بیان مفهوم قدرت می‌گوید: قدرت هرگاه در توصیف انسان به کار رود به معنی حالتی است که با آن انسان به انجام کاری موفق می‌شود. ولی اگر به عنوان و صفی برای خدا به کار رود به این معناست که او از انجام هیچ کاری عاجز نیست. (الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی الفاظ القرآن، ص ۶۸۵)

**تعریف قدرت در اصطلاح**

در کتب فقها واژه قدرت صراحتاً بیان نشده است؛ ولی از کلماتی که مفهوم قدرت را می‌رساند مانند <سلطان> <حاکم> <ملک> <والی> <مکنأ> و خلیفه نام برده شده است. بنابراین مراد از همه این کلمات در اصطلاح فقها، قدرت پیامبر □ و ائمه اطهار= در زمان حضور فقها در زمان غیبت می‌باشد؛ یعنی اینها در ولایت تدبیری و اداره سیاسی و اجرای احکام الهی دارای قدرت و سلطه می‌باشند. در منابع فقها که قدرت و سنت می‌باشد؛ نیز از قدرت به ولایت تعبیر شده است. چنان که در قرآن با دو واژه ولایت و اطاعت به ماهیت قدرت پیامبر □ و جانشینان آن حضرت اشاره شده است. (اخلاقی، غلام سرور، رابطه قدرت و عدالت در فقه سیاسی، ص ۲۲) "

### تعریف اندیشه سیاسی

در لغت به معنای به معنای فکر، تامل، تفکر، پاس داشتن ملک، نگاه داشتن، حفاظت و نگهداری، حراست، حکم راندن بر رعیت آمده است.

### تعریف اندیشه سیاسی در اصطلاح

اندیشه سیاسی که مهمترین بخش معرفت سیاسی است؛ مجموعه باورهای فلسفی است که به طور مستقیم به اداره امور جامعه مرتبط باشد. پس اندیشه سیاسی، به مجموعه‌ای از آراء و عقاید در حوزه سیاسی اطلاق می‌شود که دارای اهداف معقول بوده و با تعیین ابزارهای لازم جهت دستیابی به هدف‌های قابل تحقق، نوعی انسجام و منطق درونی دارد. و در پاسخ به پرسش‌ها و معماهای خاصی در عرصه زندگی سیاسی مطرح می‌شود. (اسماعیلی، محمد مهدی، اندیشه سیاسی حضرت آیت الله خامنه‌ای، ص ۱۹)

### تعریف فقه

در لغت: به معنای هر علم به چیزی همان فقه است (کل علم بشئ فهو فقه). (ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغه، ص ۴۴۲)

### تعریف فقه در اصطلاح

عبارت است از علم به احکام شرعی عملی که از ادله تفصیلی آن کسب می‌شود. و بعضی هم فقه را اینطور معنی کرده‌اند: فهم دقیق و استنباط عمیق مقررات اعمال اسلامی از منابع و مدارک مربوطه. (اخلاقی، غلام سرور، رابطه قدرت و عدالت در فقه سیاسی، ص ۴۰)

### تعریف سیاست

در لغت به معنای حکم راندن بر رعیت و اداره کردن امور مملکت، حکومت کردن، ریاست کردن، اداره امور داخلی و خارجی کشور آمده است. (معین، محمد، فرهنگ معین، ص ۱۹۶۶)

### تعریف سیاست در اصطلاح

مرحوم صدوق در ضمن زیارت جامعه کبیره، سیاست را به معنای راهنمایی و هدایت مردم بسوی سعادت دنیوی و اخروی می‌داند؛ زیرا ائمه = نظارت به امور مادی و معنوی دارند. در زیارت جامعه کبیره از ائمه = به عنوان سیاستمداران یاد شده است. (السلام علیکم یا اهل بیت النبوه... و ساسة العباد-) (فاضل موحدی لنکرانی، محمد، احکام عمره مفرده، ص ۲۱۷)

### تعریف شیعه در لغت

فرهنگ‌های لغت این معانی را برای واژه شیعه از ریشه شیع یاد کرده اند:

فرقه، حزب و گروه، پیروان، یاران و هواداران، امت، دوستان و همراهان و همکاران، تقویت کنندگان و اشاعه کنندگان. (فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ص ۱۹۰) و (ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغه، ج ۳، ص ۲۳۵)

### تعریف شیعه در اصطلاح

امامی مذهب کسی است که:

الف: به وجوب امامت و وجود آن در هر زمانی باور داشته باشد.

ب: نصّ جلیّ بر امام و عصمت و کمال را برای او واجب بداند.

ج: به تداوم و انحصار امامت در فرزندان امام حسین معتقد و سلسله امامت را به امام رضا پیوند دهد؛ زیرا همه شیعیان، استمرار سلسله امامت شیعی را تا امام رضا باور دارند و پس از او به تداوم آن تا امام دوازدهم نیز معتقدند. (فرمانیان، مهدی، آشنایی با فرق تشیع، ص ۲۱)

#### تعریف مبانی در لغت

کلمه مبانی جمع مکسر از ریشه بنا مشتق شده است و به مفهوم بناها، بنیان‌ها، شالوده‌ها و ساختارها است. در واقع مبانی هر پدیده یا علم، متضمن پایه‌ها، چهار چوب، اسکت و ساختار اصلی آن پدیده یا علم است. (مصطفوی، حسن، التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۴۴)

#### تعریف مبانی فقهی در اصطلاح

مبانی فقهی همان اصول و مبناهایی هستند که پایه‌های فقهی ما بر آن بنا نهاده می‌شود؛ و لذا در اینجا مبانی فقهی یعنی در حقیقت همان منابع و منشاءهای عقلی و شرعی قدرت است.

#### دلایل ضرورت وجود قدرت و حکومت در نظام اسلامی

##### ادله قرآنی ضرورت کسب قدرت

"إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (نساء/۵۸)"

خدا امر می‌کند به شما که امانت مردم را به آنان برگردانید، و چون بین مردم داوری کنید به عدل حکم برانید، که خدا با اندرز خوبی شما را پند می‌دهد چون او در هر لحظه شنوا و بینای کار شما است.

خداوند امر فرموده که امانت را به اهلش بدهید و هرگاه بین مردم داوری کردید؛ به عدالت داوری کنید. خدا چه خوب به آن اندرستان می‌دهد و یادآوری تان می‌کند. بی شک خدا شنوای بیناست. ای ایمان آورندگان! خدا را اطاعت کنید و پیامبران را اطاعت کنید و اولیای امرتان (متصدیان رهبری و حکومت‌تان) را.

بنابراین، اگر در مورد چیزی با یکدیگر کشمکش پیدا کردید، آن را به خدا و پیامبر □ عرضه بدارید، اگر به خدای یگانه و دوره آخرت ایمان دارید، آن روش بهتر است.

خداوند امر فرموده که امانات را به اهلش رد کنید. عده‌ای بر این عقیده‌اند که منظور از امانت، مطلق امانت خلقی (مال مردم) و خالقی (یعنی احکام شرعیه) می‌باشد. مقصود از رد امانت الهی، این است که احکام اسلام را آنطور که هست اجرا کنند.

در ذیل آیه می‌فرماید: (و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا با... .) (نساء/۵۸)

وقتی که حاکم شدید، بر پایه عدل حکومت کنید. این خطاب به کسانی است که زمام امور را در دست داشته و حکومت می‌کنند. نه قضات، قاضی قضاوت می‌کند، نه حکومت به تمام معنای کلمه. قاضی فقط از جهتی حاکم است و حکم می‌کند؛ چون فقط حکم قضایی صادر می‌کند نه کار اجرایی. چنانکه قضات در طرز حکومت‌های قرون اخیر یکی

از سه دسته حکومت کننده هستند؛ نه تمام حکومت کنندگان و دودسته دیگر، هیئت وزیران (مجریان) و مجلس (برنامه‌ریزان و قانونگذاران) هستند. اساساً یکی از رشته‌های حکومت و یکی از کارهای حکومتی است. باید قائل شویم که آیه شریفه (اذا حکمتم) در مسائل حکومت ظهور دارد وقاضی و همه حکومت کنندگان را شامل می‌شود. وقتی تمام امور دینی عبارت از امانت الهی باشد؛ باید این امانت به اهلبش رد شود، یکی از آنها هم حکومت است. (موسوی خمینی، سید روح الله، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، ص ۸۶)

### مبارزه با فساد در روی زمین:

آیت الله مکارم شیرازی در تبیین این هدف رسالت انبیا که دخالت آشکار آن حضرات در سیاست و مبارزه‌های اجتماعی و سیاسی است می‌فرماید:

این نکته از آیات قرآن به خوبی استفاده می‌شود که یکی از اهداف بزرگ بعثت پیامبران، پایان دادن به فساد در ارض به معنی وسیع بوده است. آنچنان که از قول شعیب، پیامبر بزرگ الهی میخوانیم که در برابر فساد آن قوم سرکش می‌گوید:

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أَرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَنْهُ إِنْ أَرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (هود/۸۸) شعیب گفت: ای قوم من! هرگاه من دلیل آشکاری از پروردگارم داشته و رزق خوبی به من داده باشد (آیا می‌توانم بر خلاف فرمان او رفتار کنم؟) من هرگز نمی‌خواهم چیزی که شما را از آن باز می‌دارم خودم مرتکب شوم، من جز اصلاح تا آنجا که توانایی دارم نمی‌خواهم، و توفیق من جز به خدا نیست، بر او توکل کردم و به سوی او بازگشت.

تنها هدف من این است که تا آنجا که قدرت دارم به مبارزه با فساد برخیزم و اصلاح کنم. (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، (به قلم جمعی از نویسندگان، ج ۱۰، ص ۲۲۱)

### مبارزه با حکومت‌های استکباری و طاغوت‌ها:

قرآن کریم، فلسفه مبارزه پیامبران با مستکبران هم عصر خود را تشریح می‌نماید. تفسیر این آیات را در کلمات مفسرین و علمای بزرگ می‌بینیم؛ در تفسیر نمونه آیت الله مکارم شیرازی می‌خوانیم: **وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَىٰ اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ** (نحل/۳۶) میان هر امتی پیغمبری برانگیختیم که خدا را بپرستید و از طغیانگری کناره‌گیری کنید. بعضی‌شان را خدا هدایت کرد و بعضی دیگرشان ضلالت برایشان مقرر گشت. در زمین بگردید و بنگرید سرانجام تکذیب‌کنان چسان بود.

اشاره کوتاه و جامعی به وضع دعوت پیامبران کرده؛ می‌گوید ما در هر امتی رسولی فرستادیم (لقد بعثنا فی کل امه رسولاً) محتوای دعوت همه این رسولان این بود: که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید. (ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت) به این ترتیب دعوت بسوی توحید و مبارزه با طاغوت، اساس دعوت پیامبران را تشکیل می‌داده و نخستین چیزی بوده است که همه بدون استثناء به آن دعوت می‌کردند؛ چرا که اگر پایه‌های توحید محکم نشود و طاغوت از جامعه انسانی و محیط افکار طرد نگردد، هیچ برنامه اصلاحی، قابل پیاده کردن نیست. (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۲۱)

ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۲۱

ادله روایی ضرورت کسب قدرت

امام باقر فرموده اند:

"بني الاسلام على خمسٍ على الصلاة والزكاة والصوم والحج والولاية ولم يناد بشيءٍ كما نودي بالولاية". (مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۸) نیز در بیان نورانی امام مهدی A آمده است "و أمّا الحوادث الواقعة فالرجعوا فيها الى رواة حديثنا فإنهم حجتي عليكم وأنا حجة الله عليهم" ( شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴)

#### الف: روایت الحوادث الواقعه:

اسحاق یعقوب نامه‌ای برای حضرت ولیعصر می‌نویسد و از مشکلاتی که برایش رخ داده سوال می‌کند. محمد بن عثمان عمری؛ نماینده آن حضرت، نامه را می‌رساند.

جواب نامه به خط مبارک صادر می‌شود که در حوادث و پیشامدها به روایان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدایم.

امام خمینی 7 می‌فرماید: منظور از حوادث واقعه که در این روایت آمده مسائل و احکام شرعی نیست، نویسنده نمی‌خواهد پرسد درباره مسائل تازه‌ای که برای ما رخ میدهد چه کنیم؟ چون این موضوع جزو واضحات مذهب شیعه بوده است و روایات متواتری دارد که در مسائل باید به فقها رجوع کنند.

منظور از حوادث واقعه، پیشامدهای اجتماعی و رفتاری‌هایی بوده که برای مردم و مسلمین روی می‌داده است. به طور کلی و سربسته سوال کرده است: "اکنون که دست ما به شما نمی‌رسد، در پیشامدهای اجتماعی باید چه کنیم؟ وظیفه چیست؟ یا حوادثی را ذکر کرده و پرسیده است "در این حوادث به چه کسی رجوع کنیم؟"

اینجا حجت بودن یعنی همانطور که پیامبر خود حجت است و مرجع تمام مردم، خدا او را تعیین کرده تا در همه کارها به رجوع کنند، فقها هم مسئول امور و مرجع عام توده‌های مردم هستند. (موسوی خمینی، سید روح الله، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، ص ۸۰)

#### ادله عقلی دال بر ضرورت کسب قدرت

یکی از بنیادی‌ترین امور ضروری بشر، وجود یک نظام اجتماعی و حکومت عادلانه است که پاسدار حقوق جامعه باشد، جوامع بشری در طول تاریخ، حتی در عصر حجر که انسان‌ها در غارها و بیشه زارها زندگی می‌کرده اند؛ هیچ وقت خالی از نظام اجتماعی و چیزی شبیه دولت و حکومت نبوده اند؛ زیرا انسان موجودی اجتماعی و مدنی است و سرشت با مدنیت در آمیخته است و نیازهای او جز در سایه تعاون و همیاری و زندگی اجتماعی برطرف نمی‌شود. و در جریان همین زندگی جمعی چه بسا قضایایی رخ می‌دهد که منافع و خواسته‌های فرد با منافع و مصالح دیگران تصادم و برخورد می‌کند و جز با به کار بردن قدرت اجرایی متمرکزی که گویای یک رای و نظر مشخص باشد، حل فصل آن امکان پذیر نیست. (منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۱، ص ۸۳)

و در نتیجه با امیال و حقوق دیگران، درگیری و برخورد به وجود می‌آید که برای جلوگیری از آن قوه، و قدرت و قوانین و مقرراتی لازم است، و مراد ما از حکومت، چیزی به جز همین قوه و قدرت متمرکز نیست.

ضرورت دولت و حکومت برای جامعه تا جایی است که حتی در شرایط اضطرار، حکومت ستمگر جائر با همه پلیدی‌ها و زشتی‌هایی که دارد از بی حکومتی و فتنه و هرج و مرج بهتر است، چنانچه امیرالمومنین در همین باره فرمودند: "ولی



ستمگرکینه توز از فتنه و هرج و مرج مداوم، بهتر است" ( منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۱، ص ۸۶)

## تحلیل شاخص‌هایی از مبانی انقلاب با ادله فوق

### آزادی بیان

از مبانی و دلایل ایجاد حکومت اسلامی و به دست گرفتن قدرت سیاسی توسط حوزه دین، توجه جدی به بحث آزادی بیان و به طور کلی به مقوله آزادی بود.

البته انقلاب اسلامی شعار اساسی خود را بر پایه استقلال و آزادی ملت در پناه اسلام تعریف کرده است.

با بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به راحتی می‌توان متوجه شد که در قانون جمهوری اسلامی ایران به مبحث آزادی توجه شده است.

فصل نوزدهم و بیستم قانون اساسی که بیان می‌کند که مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد شد.

اصل بیستم قانون اساسی " همه افراد و ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت از قانون قرار دارند و از همه امکانات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند".

یکی از ارکان آزادی در هر حکومت اصل انتخابات است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ششم از ویژگی عمومی بودن، سخن به میان آورده است. این اصل، مقرر می‌دارد که در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آراء عمومی، از راه انتخابات اداره شود.

برگزاری ۳۶ مرتبه انتخابات در طول ۴۰ سال پس از انقلاب اسلامی، نشان دهنده اهمیت و توجه جمهوری اسلامی به آرای عمومی است.

یکی از ارکان دیگر آزادی بحث آزادی بیان در حکومت اسلامی می‌باشد. که اصل قدرت و حکومت در اسلام بر این مبنا بود تا مردم بتوانند در حکومت اسلامی در مقابل اصل قدرت با زبان رسا و با شجاعت حرف خود را بزنند و از حق دفاع کنند.

تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است. جمهوری اسلامی ایران را از یک نظام تک حزبی و نظامی با بیش از ۲۵۰ حزب رسمی و ۵۱۵ انجمن صنفی تبدیل کرده است. افزایش تعداد عناوین کتاب منتشر شده در سال ۱۳۵۷ از ۱۵۰۰ عنوان به ۱۰۷ هزار عنوان در سال ۹۶ افزایش یافته است.

بر اساس بینش اسلامی وجود قانون در جامعه، برای رسیدن به اهداف زندگی اجتماعی و برای تامین مصالح مادی و معنوی، انسان‌ها اگر زندگی اجتماعی نباشد، مصالح مادی و معنوی افراد تامین نمی‌شود.

حال اگر کسانی در جامعه، شرایطی را فراهم کنند که مردم از دینداری دور کنند، باید آزاد باشند پس حتماً چیزی که راه تعالی، ترقی و آشنا شدن از سانها به حقایق دین را ببندد و باعث م شوش جلوه دادن دین در نزد جوانها شود، ممنوع است. چون به انسانیت انسان ضرر می‌رساند.

### ساده زیستی مسئولان

عثمان بن حنیف انصاری، والی بصره در مهمانی شرکت کرده بود که نیازمندان، در آن مهمانی جایی نداشتن، امام علی پس از آگاهی از این عمل کارگزار خود، در نامه‌ای به او می‌فرماید:

" بدان که پیشوای شما از دنیای خود، به تو جامه فرسوده بسنده کرد. و دو قرص نان را خوراک خویش ساخت. بدان که شما چنین نتوانید کرد؛ لیکن مرا یاری کنید به پارسایی و تلاش در این مسیر و پاکدامنی و درستی ورزیدن. به خدا از دنیای شما زری نیندوختم، و از غنیمت‌های آن ذخیره نساختم. و بر جامه کهنه نیافزودم. اگر می‌خواستم، می‌دانستم که چگونه عسل پالوده و مغز گندم و بافته ابریشم را به کار برم. ولی هرگز هوای من بر من چیره نخواهد گردید." ( نهج البلاغه، نامه ۴۵)

امام خمینی ۷ و جانشین بر حق شان، مقام معظم رهبری K همچون جد بزرگوار شان، در کمال سادگی زندگی کردند و می‌کنند؛ و الگوی موفق برای حاکمان اسلامی هستند. این دو بزرگوار، هم نزدیکان و هم خود را به ساده زیستی فراخواندند.

متأسفانه در بین مسئولین نظام، افرادی هستند هنوز که، اعتقادی به ساده‌زیستی نداشته و ندارند. و سبک زندگی اشرافی را برای خود و خانواده خود پیش رو گذاشتند، ضربه‌ای که انقلاب و نظام از این افراد خورده به مراتب سخت تر از دشمنان نظام و جنگ تحمیلی بوده است. از بین دولت‌های پس از انقلاب، دولت شهید رجایی و دولت آقای احمدی‌نژاد به این منش پایبند بودند و سعی کردند مثل مردم عادی زندگی کنند.

### عدالت آموزشی

یک از دلایلی که ضرورت ایجاد حکومت اسلامی را جدی کرد و موجب سرعت بخشیدن به طلوع انقلاب اسلامی ایران گردید، بحث بی عدالتی در کشور بود که یکی از محورهای این مهم، بحث بی عدالتی آموزشی در ایران بود.

البته مشکل سطح پوشش تحصیلی و کیفیت آموزشی مدارس تا حدود زیادی بر طرف شده و الحمد الله به برکت انقلاب اسلامی هم پوشش تحصیلی کشور بسیار عالی است و هم کیفیت خدمات در اقصی نقاط کشور وجود دارد.

ولی متأسفانه اگر از زوایای دیگری مبحث را بررسی کنیم، نوعی از بی عدالتی آموزشی را همچنان می‌توان با رویکردی متفاوت در جامعه ملاحظه کرد. از جمله مشکلات بازاری شدن آموزش است.

معضل بنیادین آموزش و پرورش ایران کنونی، روند و وضعیتی است که معمولاً از آن با عنوان خصوصی سازی آموزش و یا به بیان دقیق تر، بازاری شدن و کالایی شدن آموزش یاد می‌شود.

آموزش در جهان توسعه یافته امروز نه کالا یا خدمتی خریدنی، بلکه یکی از حقوق اساسی انسان است.

این در حالی است که گفته می‌شود اکنون ۱۵ درصد آموزش ایران در اختیار مدارس خصوصی (غیر دولتی) است.

البته باید متذکر شد که این نوع آموزش با روح اصل ۳۰ قانون اساسی در تضاد است. براساس این اصل دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد. و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به رایگان گسترش دهد. (قلی پور، مجتبی، نگاهی به وضعیت عدالت آموزشی در ایران) طبق مفاد این اصل دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است به تمام نیازکشور در زمینه آموزشی تا پایان مقطع متوسطه به طور رایگان پاسخ گوید.

روشن است اگر دولت به این اصل پایبند باشد، اساساً نیازی به مدارس غیر انتفاعی و پولی و مانند آن نیست.

نفس مطرح شدن بحث خصوصی سازی آموزش نشانگر نقض روح این قانون توسط مجری آن است.

یکی دیگر از عوامل بی عدالتی در نظام آموزشی ایران که در عین حال از جلوه‌های تفکر تبعیض گرا در این زمینه است، تنوع قابل توجه مدارس است. حدوداً ۲۰ نوع مدرسه در ایران وجود دارد و حدوداً یک سوم دانش آموزان کشور در این مدارس تحصیل می‌کنند.

در پایان نتیجه می‌گیریم که ارتقای شاخص‌های عدالت آموزشی یکی از دست آوردهای قابل توجه انقلاب اسلامی در دو دهه نخست حیاتش بود.

طی دو دهه اخیر روند و رویکردی متضاد با روند و رویکرد دو دهه نخست انقلاب اسلامی در دستور کار متولیان آموزش کشور قرار گرفته است.

تمام دولت‌های دو دهه اخیر ایران در این رویکرد نادرست در امر آموزش شریکند، که آموزش را نوعی هزینه، صرف منابع فراوان و نوعی فشار بر گرده اقتصاد کشور می‌بینند. همچنین در این نگاه، آموزش اموری فردی و کالایی خصوصی است.

### عدالت اجتماعی

یکی از اهداف و ضرورت‌های ایجاد انقلاب و به دست گرفتن قدرت سیاسی در جوامع انسانی توسط مسلمانان بر طبق مضامین آیات و روایات و اقوال فقهاء، برقراری عدالت اجتماعی در اجتماع و مقابله با نابرابری‌ها در بین مردم می‌باشد. منظور از عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت و درآمد ملی در میان افراد جامعه است. برای سنجش عدالت اجتماعی، بایستی همزمان به کاهش نابرابری و کاهش فقر در میان مردم کشور توجه کرد.

به نظر می‌رسد که عملکرد دولت‌ها در این ۴۲ ساله در جهت حذف این نابرابری بوده است؛ ولی متأسفانه هنوز لایه‌های بی عدالتی و عدم توزیع عادلانه ثروت و درآمد ملی در سطح اجتماع کاملاً هویدا است.

برای تشخیص میزان کاهش نابرابری در توزیع درآمد و توزیع مناسب ثروت در یک جامعه، از شاخص "ضریب جینی" استفاده می‌شود.

این ضریب، یک واحد اندازه‌گیری است که برای سنجش میزان نابرابری در توزیع درآمد یا ثروت در یک جامعه آماری استفاده می‌شود. ضریب جینی بین صفر و یک و یا صفر و صد تعریف می‌شود.

جمهوری اسلامی بعد از انقلاب اسلامی، توانسته است ضریب جینی را به میزان درخور توجهی کاهش دهد ولی آیا این کافی بوده. تغییرات نرخ ضریب جینی از سال ۶۵ تا ۹۳ (۸/۶) درصد کاهش داشته است البته این عدد بعد از سال ۹۳ تا ۹۹ باید رو به افزایش گذاشته باشد خصوصاً در سال‌های اخیر با تورم افسار گسیخته ایجاد شده، فاصله طبقاتی بین پولدارها و مردم متوسط بسیار زیاد شد. تا جایی که خرید برای امکانات زندگی برای مردم تبدیل به رویا شده است.

### فقر و محرومیت

انقلاب اسلامی بدون تردید یکی از عمیق‌ترین و دامنه‌دارترین تحولات قرن بیستم بود از ابعاد مختلف قابل بررسی است در این میان یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های آن، نقش محرومین در پیروزی انقلاب و توجه رهبران انقلاب به محرومین بوده است.

این انقلاب با پشتیبانی مردم، خصوصاً طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد. و دست رژیم ستم شاهی از کشور و ذخایر آن کوتاه گردید. و این فقرا و متدینین بی‌بضاعت، گردانندگان و برپا دارندگان انقلاب است.

در سال‌های اخیر تشکیل نیروهای جهادی و مدیریت عالی این مجموعه‌ها، کم‌کم تلاش می‌شود تا آثار محرومیت در این کشور محو شود.

بنابراین عاملیت مردم در پیشرفت، نکته اول در محرومیت زدایی است.

پس جهت تبیین مطلب، باید تعریفی از خط فقر داشته باشیم:

خط فقر عبارت است از مقدار درآمدی که برای تامین حداقل نیازهای فردی در یک جامعه لازم است. و تامین نشدن آن توسط افراد موجب می‌شود چنین افرادی فقیر در نظر گرفته شوند.

ایران جزو گروه کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط قرار دارد. (راجی، سید محمد حسین، خاتمی، سید محمد رضا، صعود چهل ساله، ص ۵۲)

به نظر می‌رسد که ایمان داشتن به حضور و عاملیت مردم در اقتصاد و توسعه و پیشرفت و کلید آن، میدان داری عناصر جهادی است که می‌تواند این حرکت را ایجاد کند. در سال‌های اخیر با تغییر رویکردها در نهادهایی مثل سپاه، بنیاد

مستضعفان، کمیته امداد امام خمینی<sup>7</sup>، معاونت مناطق محروم ریاست جمهوری، تلاش می‌شود تا محرومیت را از صحنه زندگی مردم ایران محو کنند.

ولی متأسفانه در مرحله اجرا به خصوص از ابتدای دولت سازندگی که سیاست‌های توسعه اقتصادی انجام شد. فاصله طبقاتی بین مردم فقیر و غنی بسیار زیاد شد و ادامه این سیاست‌ها در دولت اصلاحات و دولت تدبیر و امید، این فاصله فقیر و غنی را عمق بیشتری بخشید و و بعد از ۴ دهه عمر انقلاب متأسفانه هنوز که هنوز است کسانی را داریم که از تامین حداقل مخارج زندگی خود ناتوانند.

### اقتصاد

شرایط اقتصادی حال حاضر کشور، مستلزم مقایسه شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جهانی قبل و بعد و حال حاضر انقلاب است.

قطعاً نباید جنگ تحمیلی هشت ساله، شرایط تحمیلی ظالمانه بعد از انقلاب، سنگ اندازی‌های بی‌سابقه مخالفین انقلاب، بی‌تدبیری‌ها و اجرای سیاست‌های غلط اقتصادی، بکارگیری افراد نالایق در امر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در دولت‌های بعد از انقلاب، اجرای سیاست‌های جزیره‌ای و شخصی به دور از نگاه کلان اقتصادی و اجرای برنامه‌های تدوینی ۵ ساله و شرایط جمعیتی ایران، خود عاملی شده است که بعد از ۴ دهه انقلاب هنوز که هنوز است نتوانستیم با اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هایی که بتواند اقتصاد کشور را به یک ثبات برساند، برسیم. که از آن جمله می‌توان به سیاست ابلاغی مقام معظم رهبری K در حوزه اقتصاد مقاومتی اشاره کرد.

لذا به نظر می‌رسد نیاز به یک توسعه و پیشرفت اقتصادی داریم که با رشد اقتصادی کاملاً فرق می‌کند.

رشد اقتصادی، مفهومی کمی است در حالیکه توسعه اقتصادی، مفهومی کیفی است. در توسعه اقتصادی، رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی است.

در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید هم حاصل خواهد شد. اما در کنار آن هم نهادهای اجتماعی متوقف خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته، افزایش ثروت و رفاه عمومی مردم و کاهش فقر و ایجاد اشتغال خواهد شد همه این موارد در راستای عدالت اجتماعی می‌باشد.

باهمه این مسائل، وضعیت اقتصادی مردم و کشور در شأن مردم و کشور بزرگ ایران نیست و راه چاره آن، اتکای به منابع داخل کشور و مدیریت جهادی و دلسوز و میدان دادن به نیروهای تحصیلکرده و جوان و مبنای قرار دادن سیاست اقتصاد مقاومتی و مقاوم کردن اقتصاد و عدم اتکای بودجه کشور به نفت، همه اینها نوید یک رشد اقتصادی خوب در آینده نزدیک و نوید رفاه و آسایش برای مردم خواهد بود.

وجود قدرت سیاسی و تشکیل حکومت در اسلام، تنها زمانی می‌تواند مطرح گردد که دین اسلام مشتمل بر امور سیاسی باشد؛ در غیر این صورت تمام مباحث حاکمیت دینی و ولایت سیاسی پیامبران و امامان و ائمه معصومین = و به تبع آن ولایت فقیهان در عصر غیبت با مشکل دفاع عقلانی مواجه می‌گردد؛ زیرا ولایت فقیهان فرع بر ولایت امامان و ولایت امامان فرع بر ولایت پیامبران است. برای پیامبر □ نیز بدان جهت که بیان کننده و مجری احکام دین است هنگامی امکان ولایت و حکومت وجود دارد که مسائل حکومتی در متن دین جای گرفته باشد و کلیات مبانی آن در قرآن و سنت بیان شده باشد.

با نگاهی عمیق به مبانی قدرت سیاسی و حکومت در اسلام، به این نکته پی می‌بریم که اصولاً حکومت فی‌نفسه، دارای ارزش ذاتی نیست و تنها وسیله‌ای برای تحقق عدالت اجتماعی مطلوب است؛ گرچه اولیا و اوصیا همه برای برقراری حکومت صالح تلاش کرده اند؛ اما پیگیری اقتدار سیاسی از سوی آنان نه برای خود اقتدار و اعمال سلطه و حکومت که برای کارآمدی حکومت صالح؛ یعنی گسترش و تعمیق عدالت بوده است.

یکی از اهداف گسترده مکتب اسلام تامین سعادت دنیا و آخرت بشر است و قواعد و مقررات آن در زمینه نظام سیاسی، اجتماعی در راستای همین هدف پی‌ریزی شده است.

اسلام در ارائه نظام اجتماعی خود موفق بوده و دارای نظام حکومتی، قانونگذاری، قضایی، اقتصادی، شیوه تعلیم و تعلم، مقررات بین‌المللی و ساختار ویژه ای است. پس بنابراین می‌توان دلایل و اهداف تشکیل حکومت و در دست گرفتن قدرت سیاسی را در جای جای قرآن و احادیث مشاهده کرد.

خداوند ذیل آیه ۵۸ سوره نساء می‌فرماید: که وقتی حاکم شدید. بر پایه عدل حکومت کنید و این خطاب به کسانی است که زمام امور را در دست داشته و حکومت می‌کنند و این جمله آیه "اذا حکمتم" در مسائل حکومت ظهور دارد و قاضی و هم حکومت کنندگان را شامل می‌شود پس شاه بیت تشکیل حکومت، همین برقراری عدالت می‌باشد.

پس با نظر به وفور و کفایت واقعیات و حقایق سیاسی که در اسلام مطرح شده است، می‌فهمیم که اسلام است که تنها پاسخگوی تنظیم و مدیریت حیات معقول انسان هاست.

همه آیات وارده در ضرورت عدل و قسط و آباتی که دلالت بر داشتن قیود و زنجیره‌های مختل کننده حیات معقول که نتیجه آن را آزادی معقول می‌نامیم، قطعاً برای اثبات با اهمیت تلقی شدن بعد سیاسی انسان در اسلام، کافی است؛ بنابراین علاوه بر بار پای عدل و قسط می‌توان دلایل دیگری برای شکل‌گیری حکومت و قدرت سیاسی نام برد. از آن جمله:

- مبارزه با فساد در روی زمین (آیه ۸۸ سوره هود)

-مبارزه با حکومت های استکباری و طاغوت ها(آیه ۳۶ سوره نحل)(آیه ۱۴۶ آل عمران)(آیه ۲۰۵ سوره بقره) پس اقامه قسط و عدل در جامعه با توجه به تاکیدات قران، مطمئناً بدون دخالت در امور سیاسی ممکن نخواهد بود. و برقراری اصل عدل در نظامات اجتماعی متوقف است بر اینکه اولاً نظام تشریحی و قانونی، نظامی عادلانه باشد و ثانیاً عملاً به مرحله اجرا درآید.

ادله روایی:

توجه دادن به امر خطیر حکومت و ولایت دینی( قدرت سیاسی) از واقعیت هایی است که در قرآن کریم به اجمال، و در کلام اهل بیت، به صورت مفصل تر و با صراحت بیشتری موج می‌زند و این مهم در کلام فقهای شیعه به ویژه اقوال علمای معاصر به وضوح دیده می‌شود.

از جمله روایات: روایت الحوادث الواقعة است که امام خمینی ۷ می‌فرماید: منظور از حوادث واقعه در این روایت مسائل و احکام شرعی نیست چون اولاً برای شیعیان معلوم بوده که در اینگونه مسائل باید به علمای دین مراجعه کنند.

بنابراین علاوه در ادله قرآنی، روایات، اقوال فقها و عقل هم ضرورت تشکیل حکومت را ثابت میکند.

بررسی کردیم که حکومت اسلامی ایران آیا بعد از گذشت چهار دهه از عمر آن، هنوز بر مدار همان مبانی فقهی و اهداف حرکت می‌کند؟ یا نه از مسیر اصلی آن مبانی ضرورت تشکیل حکومت خارج شده.

در تاریخ تشیع، انقلاب اسلامی ایران تنها حکومتی بوده است که در جهت نیل به این مبانی حرکت کرده و لحظه به لحظه با درایت رهبری، ولایت فقیه زمان، امام خمینی ۷ و بعد از ایشان توسط مقام معظم رهبری K در جهت رسیدن به آن اهداف و مبانی تلاش شده است.

ولی متأسفانه علی رغم همه تلاش ها و موفقیت هایی که بعد از انقلاب در همه شاخص‌ها داشتیم که به آن اشاره شده است و پیشرفت‌های حال حاضر انقلاب قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست ولی در تطابق با مبانی اولیه که همان برقراری عدالت و اقامه قسط و مبارزه با فساد به نقطه مطلوبی نرسیدیم و شاید علل این ناکامی به دلیل موانعی باشد که در قالب موانع بیرونی و درونی به آن پرداخته شده است. که همه آن عوامل درکنند کردن حرکت شتابنده این حکومت و قدرت سیاسی تاثیر بسزایی داشته، که انشاءالله با برنامه‌ریزی‌های لازم به رهبری مقام عظمای ولایت و اجرای دقیق آن توسط مسئولین و قوای سه گانه و حمایت مردم حتما در سال‌های آینده به این مهم دست خواهیم یافت.

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

کتاب:

۱. ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، ۱۴۱۴ه ق، دار الفکر، ج ۶.
۲. ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، *معجم مقائیس اللغه*، قم، ۱۴۰۴ه ق، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج ۴.
۳. اخلاقی، غلام سرور، رابطه قدرت و عدالت در فقه سیاسی، قم، نشر المصطفی، ۱۳۹۰.
۴. اسماعیلی، محمد مهدی، اندیشه سیاسی حضرت آیت الله خامنه ای *ک*، تهران، نهضت نرم افزاری، ۱۳۹۸.
۵. جعفری، محمدتقی، حکمت اصول سیاسی اسلام.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح-تاج اللغه و صحاح العربیه*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ه ق، ج ۶.
۷. حسینی قائم مقامی، سید عباس، قدرت و مشروعیت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
۸. دست‌آورد های انقلاب اسلامی در حوزه رفاه و ارتقای سطح زندگی، *isna.ir*، ۹۷/۱۱/۱۵، کد خبر: ۹۷۱۱۱۴۰۷۳۵۴
۹. دفتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ادیان الهی و فرق اسلامی، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، صفحه ۱۲۷۰.
۱۱. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی الفاظ القرآن.
۱۲. شیخ صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین قمی، کمال الدین و تمام النعمه، مترجم، پهلوان، منصور، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲، ج ۲.
۱۳. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، نشر مرتضوی، ۱۳۶۲ش، ج ۳.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، موسسه دار الهجره، ۱۴۰۹ق، ج ۲.
۱۵. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، احکام عمره مفرده، (زیارت جامعه کبیره) قم، امیر العلم، ۱۴۲۶ق.
۱۶. فرمانیان، مهدی، آشنایی با فرق تشیع، قم، حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷ش.
۱۷. قلی پور، مجتبی، نگاهی به وضعیت عدالت آموزشی در ایران، نشریه دیده بان امنیت ملی، ۱۳۹۸، ش ۹۰.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحق، الکافی، قم، موسسه علیم و فرهنگ دار الحدیث، ۱۳۸۷، ج ۱.
۱۹. مجلسی دوم، محمد باقر بن محمدتقی، بحار الانوار، اصفهانی، بیروت، موسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ه ق، ج ۲۶.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱.
۲۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۶ق، ج ۱.
۲۲. مطهری، مرتضی، فقه و حقوق *مجموعه آثار*، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۹۶، ج ۲۰.



۲۳. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۱، ج ۲.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، (به قلم جمعی از نویسندگان)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳، ج ۱۰.
۲۵. منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۱، ص ۸۶.
۲۶. موسوی خمینی، سید روح الله، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه.
۲۷. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۲، ج ۱۳.
۲۸. میر چراغ خانی، حسین، مروری بر سیاست جمهوری اسلامی در چهل سالگی انقلاب، نشریه پیام، ۱۳۹۸، ش ۱۳۲